

قوه قضائیه باید مستقل باشد نه سلطه جو و انحصار گر
سیاسی کردن نهادهای دادرسی دهشت انگیز است

عدالت را که هدف بنیادی مردم ستمدیده ایران است
به بازیچه نگیرید

در صفحه چهارم

انتقاد رهنمودی است بر سازندگی

انتقاد همراه با تلاش و عمل پدید می آید و پیوند آنها ناگسستنی میباشد. تصور تلاش و عمل بدون انتقاد تصویری است باطل. هر عمل و هر تلاش هر اندازه سنجیده و حساب شده باشد باز هم زمینه هایی برای انتقاد به دست میدهد. انتقاد به هیجروی معنای بی قدر ساختن تلاش و عمل را ندارد، بلکه به معنای گسترده تر داشتن زمینه های آن است. انتقاد گونه ای تجمل فکری میباشد و پذیرفتن هر آنچه که حاصل آمده است به نشانه کمال و پایان، چون خفتی است بر اندیشه بشری. بر همه دستاوردهای تلاش و عمل باید با نظری انتقاد آمیز نگرست تا افق حیات بر اندیشه آدمی بسته نیاید. زندانی داشتن اندیشه در ظرف دستاوردها با طبع جستجوگر آدمی سازگاری ندارد و انتقاد دست کم به گونه ای یک تجمل، میدان دادن به اندیشه آدمی است. بقیه در صفحه سوم

فروختن فضیلت و سربرد داشتن طراری

انتقاد نابجا آسانترین راه توجیه خویش است

انتقاد یک فرایند طبیعی در حیات سیاسی و اجتماعی میباشد و باز جستن تنگناها و نارسائی ها و آشکار داشتن ریشه ها و پیامدهای آنها، یک ضرورت شناخته نمی آیند.

سیمای عدم تعهد

سیاست تازه ای بر افق زندگی ملت ها پیوند استقلال و توسعه با یکدیگر

در صفحه پنجم

تصمیم نادرست وزارت راه و ترابری

بیکاری را گسترش ندهید

هواپیمائی کشوری به علت کم کاری به کلی تعطیل و کارمندان آن نیز آماده به خدمت شدند. در ابلاغ شماره ۱۹۲۹ که به امضای آقای کاظم صمدیان معاون وزارت راه و ترابری و رئیس سازمان بقیه در صفحه ششم

در صفحه دوم خود زیر عنوان «به دستور معاون وزارت راه و ترابری اداره کل طرح و توسعه هواپیمائی کشوری تعطیل گردید.» چنین نوشته است. «طبق دستور رئیس سازمان هواپیمائی کشوری اداره کل طرح و توسعه

وظیفه دولت به کار گرفتن همه نیروی انسانی کشور است

روزنامه انقلاب اسلامی تاریخ شنبه اول آذرماه ۱۳۵۹

مردم را در تنگنا نگذارید

تلاش در دآوری که برای نارضائی مردم بعمل می آید همه نابسامانی ها از نا آگاهی و ناتوانی دست اندر کاران سرچشمه میگردد

این تصمیم چاره جویی ها بعد گسترده ای یافت. هیزم و ذغال و خاکه ذغال ناگهان به چند برابر قیمت اصلی رسید و احتکار و انبار کردن به نایابی این مواد انجامید. واپسین چاره تهیه وسائل گرم کننده برقی بود که این وسیله ها نیز بگونه سرسام آوری دچار افزایش بها شد ولی سرما شوخی بردار نیست و بهر شکل باید برای مبارزه با آن تجهیز گردید. در اوج نگرانی مردم بخاطر بقیه در صفحه هفتم

از جمله بفرجهائی که بدنیاال جنگ ناخواسته بر میهن ما تحمیل گردیده کمبود مواد سوختی است. فرارسیدن زمستان، این دشواری را بزرگتر نمود و مردم که بیمناک سرما بودند با جیره بندی روبرو شدند. راه حل جیره بندی در مورد بنزین و گران کردن نایبای بهای آن مردم را به استفاده بیشتر از وسیله های نقلیه همگانی تشویق کرد ولی جیره بندی نفت و گاز و تیل نگرانی آور شد و بدنیاال

در سایه صفحه ها



یورش قهرمانانه به منطقه حاج عمران پیشمرگان کرد همچنان با سلطه گران بعضی می جنگند

در حاشیه جنگ ایران و عراق

از خبرهای هفته حماسه آفرینان

دانشکده ها و مدرسه های عالی را باز کنید

بازی با سر نوشت فرزندان ایران، بس است

عمر جوانهای کشور به بیهوده می گذرد. دانسته های آنها، بی هیچ گفتگو، در ذهن هایشان رنگ می یازند و امیدشان به فردای روشن خود به سستی می گراید. بر سر و رویشان غبار افسردگی می نشیند و نشاط

پویائی که زائیده جوانی و رونق دهنده هستی ملت ها است، از قلب های آنان زدوده می آید و خانواده ها از پریشانی فرزندان خود، سخت اندوه زده اند. در فضای زندگی بسیاری از خانواده های ایرانی نگرانی و اندوه موج می زند. همه از گذشت بی حاصل روزگار فرزندان خود و از فردای ابهام آمیز آنها افسرده اند. هیچکس خود را پاسخگوی این ماجرای دردناک نمی داند. بسته نگاه داشتن همه مراکزهای آموزش عالی آنها برای مدتی

دراز ضایع های است که در هیچ کجای جهان، ماندنی برای آن نمی توان سراغ کرد. بسته نگاه داشتن مراکزهای آموزش عالی پیامدها خواهد داشت و سکوتی را که امروز در این باره حکمفرما است، پاسخ قطعی این ماجرا نباید پنداشت و بی گمان در آینده ای نه چندان دور واکنشهای این فاجعه در سرتاسر کشور رخ مینماید. هیچ حکومتی حق ندارد این چنین به سر نوشت جوانان خود و به سر نوشت علم و تخصص بی اعتناء بماند.

ادامه بسته نگاه داشتن مراکزهای آموزش عالی، به دشمنی با جوانان و با پیشرفت تلقی می شود. بسته نگاه داشتن مراکزهای آموزش عالی، خاموش کردن چراغ دانش است و این در شان هیچ حکومت نیست چه جا به حکومتی که از انقلابی آرمانخواهانه برخاسته باشد. پافشاری بر بسته داشتن مراکزهای آموزش عالی، به گونه ای وارد آوردن یک اتهام بزرگ بر نظام جمهوری اسلامی ایران است.

دولتمردان نباید از اثرهای مستقیم و غیرمستقیم ادامه این تعطیلی بی خبر بمانند، این تعطیلی، ضایعه ها در بر دارد. ضایعه های روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی. اکنون، بیش از دویست هزار دانشجو کجا هستند، و چه می کنند. استادان چگونه روز به شام می آورند و با چه تلخی شب را به صبح می کشانند، برخواست انقلاب آموزشی چه گذشته است.

کسانی که بدین کار گمارده گشتند در کجا هستند، چه کرده اند و چه می خواهند بکنند و چرا از دست آوردهای خود هیچ آگاهی نمی دهند چرا معین نمی دارند که دانشجویان چه باید بخوانند و استادان چه باید درس بدهند. کدام کتابها باید یا نباید خوانده شود. و کدام رشته ها باید یا نباید باقی بماند و سرانجام چه زمانی دانشگاهها و مدرسه های عالی باز خواهد شد؟

آیا روا نیست که از هر آنچه در این زمینه گذشته است، جوانان کشور را آگاه سازند. آیا هرگز اندیشیده اند که این شیوه بی خبر گذاردن جوانان و سرگردان داشتن آنان چه میزان بر باورها و استواری روانی ایشان لطمه خواهد زد.

حزب ملت ایران با اصرار تمام می خواهد که این خاموشی دردناک شکسته گردد و نشانی از آینده بر جوانان نموده شود.

دشمن را امان ندهید

فرماندهی جنگ را روحیه ای باید چالاک تر

نگذارید جنگ

فرمایشی شود

شصت و پنج روز از جنگ تحمیلی می گذرد و هنوز دشمن تجاوزگر بر سرزمین ایران ایستاده است. هنوز آتشبارهای آن بر شهرها و روستاهای میهن ما آتش می ریزد. صدها هزار فرزندان ایران، به ناگزیر، خانه خود را رها کرده و اینجا و آنجا پناه جسته اند و هنوز هم نمی توانند به شهر و روستای خود بازگردند. از سوی دیگر، درماندگی دشمن آشکار است، دشمن در هیچ زمینه، هیچ برتری بر نیروهای خودی ندارد. در هوا و دریا چنان فرو کوفته شده که زبون و پریشان گردیده در زمین هم توان و قرار از دست داده، بداندان که هر نشان از رزمندگان ایرانی هراس بر سراپای وجود سپاهیان آن می ریزد. استواری و رزمندگی ایرانیان افتخارها و حماسه ها آفریده است، ارتشیان، پاسداران و دیگر جوانان ما بدانگونه جانانه جنگیده اند که یادآور دلیریهای کم مانند تاریخ می باشد.

این جنگاوران، بی آرام، در تب تاراندن دشمن اند و همه مردم ایران هر آنچه در توان دارند به ایشان نهاده اند. صنعتگران، ابزار جنگ فراهم می آورند، و سالخوردگان روستائی خوراک ارمغان می سازند، هر کسی، سختی های جنگ را با گشاده رویی به امید درهم شکستن دشمن و رها داشتن سرزمین ایران، پذیرا شده.

رئیس جمهور در هفته های پیش بشارت داد که جنگ افزار به بسیاری فراهم آمده و نیز هم ایشان و هم دیگر کسانی که از جبهه دیدار کرده اند از شوق و شیدائی رزم آوران داستانها دارند و آمادگی رزمی آنان را شگفت آور یافته اند. و از دلیریها و کاردانی ها و کارائی های همه جنگاوران در همه جبهه ها حمایتها می سرایند.

در برابر اینهمه توانائی، از ناتوانی و هراسمندی دشمن خبرها میرسد، گفتگو از آن است، که بخش بزرگی از نیروهای دشمن و شاید هم همه آنان، سر تسلیم دارند. گفتگو از آن است که برخی از واحدهای دشمن از جوانان کم سال و نا آگاه و ناتوان یا پیران از کار افتاده انباشته است. گفتگو از آن است که بسیاری از سپاهیان دشمن توانائی به کار بردن جنگ افزارهای خود را ندارند. بقیه در صفحه دوم

نیرومند با د ارتش جمهوری اسلامی ایران

ارگان حزب ملت ایران

دشمن را امان ندهید

گفتگو از آن است که بخش بزرگ ساز و برگ جنگی دشمن از کار بازمانده و یا به دست رزمندگان ایرانی افتاده است. و از آن است که در درون مرزهای دشمن کمبدها و تنگناها بعد نهایت رسیده است و سرانجام گفتگو از آن است که حکمران دژاندیش عراق، یاران و نزدیکان خود را ناسازگار یافته و به کشتار گروهی آنان پرداخته است.

ایران با دشمنی این چنین هراسیده، ناآگاه، ناتوان و پویشان حال در ستیز میباید ولی چگونه است که تجاوزگری این چنین در مانده، در سومین ماه جنگ هنوز بر گوشه‌هایی از سرزمین ما قرار گرفته است. توانائی‌های ایرانیان، چنان اقتضا می‌دارد که دشمن را بسیار زودتر از اینها از سرزمین خود تاراند و باشند. باقی ماندن نیروی دشمن در خاک کشور را بی‌گفتگو علتی است که باید شناخت آید و از میان برداشته شود.

در جمع عاملهای پیروزی آفرین، هیچ عامل کم نیست و بر فرماندهی ارتش است که با بهره‌گیری درست از این عاملها، پیروزی را تدارک ببیند.

اگر فرماندهی ارتش نتوانسته است در شرایطی چنین سازوار دستکم دشمن را از خاک ایران براند، ناگزیر باید در آن دگرگونی پدید آورد فرماندهانی با دلیربایسته و با قدرت تصمیم‌گیری به سامان بخشی جنگ گماشت.

مجموعه فرماندهی کنونی اعلام داشته است که می‌خواهد جنگ را چندان به درازا بکشد که نیروی دشمن فرسوده شود و آنگاه بروی بتازد.

این شیوه برداشت پذیرفتنی نیست، دشمن، چنان توانائی و کارآمدی ندارد، که بدین تدبیرها نیاز باشد. و آنگهی این تدبیر را در خاک دشمن به اجراء گذارید، سپردن گوشه‌هایی از میهن به دشمن به انتظار فرسوده داشتن آن، استدلالی است سخت نادرست.

به گمان چنان میرسد که این شیوه برداشت از روحیه‌ای بسیار احتیاط کار و نالاستوار برخاسته است. فرماندهی جنگ می‌باید بیشترین تحرک را در خود گرد آورد و باید روش‌بینی و حسابگری را با جسارت همراه سازد و می‌باید همه تصمیم‌هایش بر دو پایه شجاعت و درایت استوار گردد.

اینک چنین احساس می‌شود که زمان دگرگونی روحیه فرماندهی فرا رسیده و باید چنان مجموعه فرماندهی فراهم آورد که دلیرانه بر دشمن به تزلزل افتاده، بتازد.

اینک، زمان آن است که از زمین و هوا و دریا بی‌محابا بر دشمن تاخت آورد.

اینک، زمان آن است که بر سرتاسر مرزهای دشمن حمله‌های دلیرانه برسد در هر گوشه خاک دشمن باید آتش‌ها فروخت، باید از بلندبهای کلاشین تاجزیر مینو، همه جا دشمن را به ستیزه کشید نباید اجازه داد جنگ بسیار به درازا کشد و نباید فرصت گذارد که دشمن بیاساید یا از اینجا و آنجا ساز و برگ جنگ فراهم آورد.

بدینسان که کار درگیری‌ها پیش می‌رود، حکایت از پدید آمدن جنگ فرسایشی دارد، به هیچ روی نباید امکان داد که چنین شود. باید چالاکی لازم را در مجموعه فرماندهی ایجاد کرد تا حركتهای آفندی را بیش از این بازپس نیندازند.

حزب ملت ایران با امید و شوق به مجموعه فرماندهی جنگ می‌نگرد و انتظار دارد که در زمانی نه چندان دراز از اینهمه امکان که در اختیار دارند بهره بگیرند و دشمن را از ایران بیرون رانند که اگر در این کار درنگ و دیری پدید آید، زیانهای سنگین بر ساخت اقتصادی و اجتماعی ایران فرو خواهد آمد و دست اندرکاران در پیشگاه تاریخ سرافکننده خواهند ماند.

«اولاف پالمه بار دیگر به ایران سفر خواهد کرد»

«اولاف پالمه»، نخست وزیر سابق سوئد و نماینده ویژه کورت والداهیم که در راس یک هیئت از سازمان ملل متحد مدت چهار روز در ایران بسر برده بود پس از یک دیدار کوتاه چند ساعته از امان، وارد بغداد شد.

فرستاده ویژه کورت والداهیم در امان با «سعدون حمادی» وزیر خارجه عراق که برای شرکت در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای عربی به اردن رفته است، دیدار و گفتگو کرد.

اولاف پالمه به خبرنگاران گفت گفتگوهای او با مقامات ایرانی بسیار سازنده، علنی و رضایتبخش بوده است. دستیاران پالمه اظهار داشتند این هیئت پس از سفر به بغداد مجدداً به ایران سفر خواهند کرد.

خرید اوراق قرضه اختیاری است

یک مقام مسئول در قسمت اوراق بهادار وزارت امور اقتصادی و دارائی گفت:

«دولت در نظر دارد بزودی یک سری اوراق قرضه که خرید آن کاملاً اختیاری است و بوسیله افراد خیر و مؤمن به انقلاب خریداری خواهد شد (!) منتشر کند که تاریخ دقیق توزیع آن هنوز معلوم نیست. چاپ این اوراق به عهده قسمت اوراق بهادار وزارت امور اقتصادی و دارائی است و توزیع آن را بانک مرکزی به عهده خواهد داشت.»

افغانستان نماینده سازمان ملل متحد را نمیپذیرد

خبرگزاری فرانسه - شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: «در حال حاضر دولت افغانستان فرستاده‌ای را که کورت والداهیم، دبیر کل سازمان ملل متحد، در نظر دارد به افغانستان بفرستد، نمیپذیرد.» این فرستاده قرار است طبق قطعنامه‌ای که پنجشنبه گذشته در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با یکصد و یازده رأی موافق در برابر بیست و دو رأی مخالف تصویب شد در چارچوب یک مأموریت حسن نیت به افغانستان سفر کند.

وزیر خارجه افغانستان همچنین تقاضای سازمان ملل متحد را برای خروج نیروهای شوروی از این کشور رد کرد و گفت این کار دخالت در امور داخلی افغانستان است.

رئیس جدید سازمان «سیا»

آسوشیتدپرس - منابع نزدیک به رونالد ریگان، رئیس جمهوری جدید آمریکا، گفتند ویلیام کیسی، شصت و هفت ساله، که در زمان جنگ دوم جهانی سابقه جاسوسی داشته است با هیچ رقیبی برای احراز پست ریاست «سیا» روبرو نیست.

این منابع همچنین گفته‌اند ویلیام سایمون به مقام قبلی خود در دوران ریاست جمهوری نیکسون و جerald فورد یعنی وزارت خزانه‌داری انتخاب خواهد شد.

چین به کمپانیهای امریکائی برای سرمایه‌گذاری تضمین میدهد

پکن - خبرگزاری فرانسه - «دنگ زیائوپینگ»، مرد نیرومند چین، در دیدار با نخست‌وزیر هند گفت که چین برای ورود تکنولوژی غرب احتیاج به وام با بهره کم دارد. هم چنین بنا به گزارش خبرگزاری یونایتد پرس قراردادی بین آمریکا و چین منعقد شده است که در آن به آمریکا اجازه داده میشود برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در چین تسهیلات مالی و بیمه تأمین نماید.

قرارداد ذکر شده شرکت‌های سرمایه‌گذاری امریکائی را علیه خطرات سیاسی بیمه میکند و وامها و تضمینهای برای کمک به شروع سرمایه‌گذاری در اختیار آنان قرار میدهد. بنا به همین گزارش قرار است نمایشگاهی از کالاهای ساخت آمریکا در پکن برگزار شود. محل این نمایشگاه زیر بر جهانی خواهد بود که بوسیله شوروی ساخته شده است و برای شرکت در آن از دویست و پنجاه دست اندرکار امریکائی دعوت شده است.

گفته یک مقام رسمی امریکائی حاکی است که نوع کالا و تکنولوژی که در این نمایشگاه به نمایش در خواهد آمد در رابطه با برنامه‌های مدرنیزه کردن چین خواهد بود.

از خبرهای هفته

روسیه برای مداخله نظامی در لهستان آماده میشود

دفتر مرکزی خبریه نقل از خبرگزاری فرانسه از نیویورک - شبکه تلویزیونی سی-بی-اس آمریکا، به نقل از گزارشی از ادارات اطلاعاتی آمریکا تاکید کرد روسیه تمام اعتماد خود را به گروه رهبری در لهستان از دست داده، و آماده است در صورت لزوم در این کشور مداخله نظامی نماید.

بنابراین گزارش، زمامداران روسیه به این نتیجه رسیدند که دولت لهستان قادر به حل بحران اجتماعی کشور، با حفظ نقش رهبری حزب کمونیست، نیست. و راه دیگری بجز تحمیل یک گروه تازه رهبری با مداخله نظامی در لهستان ندارند.

همین گزارش حاکی است در واقع روسها بیم دارند که بخش مهمی از ارتش لهستان به جنبش مقاومت بپیوندند زیرا تعدادی گروه مخفی مقاومت از هم اکنون در لهستان آموزش می‌بینند.

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائ

به آقای منوچهر بصیراده ساکن تهران خیابان رازی پیش فراسه ساختمان ۲۶ شماره ۴۰۱، بانک رفاه کارگران بمدریت آقای منوچهر فروید دادخواستی بخواسته مبلغ چهارصد هزار ریال وجه بانضمام حشرات باستاند دوقره سفته و اخواننامه و دلیل مدیریت بطرفیت شم بدادگاه عمومی تهران تقدیم که جهت رسیدگی باین شعبه ارجاع و نوبت کلاس ۱۲۳۸/۵۸ به روز شنبه ۵۹/۷/۲۶ ساعت ۱۰ صبح وقت رسیدگی تعیین گردیده نظر باینکه مامور ابلاغ اخطاریه وقت دادرسی منضم سحه نانی دادخواست و ضمائ را در نشانی فوق طبق ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ و اعلامیه محل اقامت شما الصاق گردیده لذا مراتب بتجویز تبصره ذیل ماده فوق‌الذکر بکویت آگهی میشود که در وقت مقرر در دادگاه حاضر شوید والا اخطاریه و دادخواست و ضمائ ابلاغ شده محسوب و دادگاه رسیدگی واتخاذ تصمیم خواهد نمود. م- الف ۱۱۶۲۸

مدیر دفتر شعبه ۱۴ دادگاه شهرستان تهران - کبیری

آگهی تعیین دارندگان حق امضاء شرکت نسبی موسی کهن شوحط و پسران ثبت شده بشماره ۶۸۰۵
باستاد صورجلسه مجمع شرکا، مورخ ۵۹/۴/۹ آقای شهریار دینی برای مدت یکسال بسمت مدیرعامل شرکت فوق‌الذکر گردید و مقرر شد که کلیه اوراق و اسناد بهادار و چک و سفته و برات و اسناد رسمی و قراردادهای با امضاء آقای شهریار دینی بانفاق امضاء یکی از آقایان دکتر مسعود کهن شوحط و یا دکتر ناصر کهن شوحط یا مهر شرکت و یا با امضاء هریک از آقایان دکتر مسعود کهن شوحط و دکتر ناصر کهن شوحط منفرداً و با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
م- الف ۱۱۲۰۷

اداره ثبت شرکتهای و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی اصلاحی

پیرو آگهی‌های شماره ۵۸/۱۲/۸ - ۵۵ - منتشره در روزنامه اتحاد بزرگ و شماره‌های ۵۹/۱/۱۶ و ۵۹/۲/۲۳ و ۵۹/۲/۲۳ - ۷ - منتشره در روزنامه آرمان ملت اشعار می‌دارد که در خواست کننده پرونده حصر وراثت شماره ۱۸۱۷/۵۸ برادر متوفی میباید که اشتباهات در آگهی‌های منتشره پسر متوفی قید و درج گردیده است مراتب بدینوسیله اصلاح میگردد.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - احدی

آگهی اصلاحی

آگهی شماره ۹۹۴۹ - م-الف در شماره ۱۸ این روزنامه مربوط به شبیه ۱۰ صبح در سطر سوم پس از کلمه منصوره (هوشدار اخلاقی و غیره) از قلم افتاده و در همین سطر پس از کلمه منصوره (عصو شورای اخلاقی و تعدیل مال‌الاجاره) اضافه و در سطر ششم بعد از کلمه بخواسته (تعدیل مال‌الاجاره) از قلم افتاده که بدینوسیله تصحیح میگردد و هم‌چنین در سطر دهم (ساعت ۲-۱۱۱) غلط و (ساعت ۱۱/۱ صبح) میباید
مدیر دفتر شعبه ۱۰ دادگاه صلح تهران

آگهی تأسیس

شرکت ساختمانی خوزستان دایال با مسئولیت محدود در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۸ تحت شماره ۳۷۵۷۰ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

۱- موضوع شرکت: انجام کلیه امور ساختمانی آپارتمانسازی، شهر و شهرکسازی، خاکبرداری، پلسازی، راهسازی، اسفالتکاری، سدسازی، فرودگاه سازی، تهیه طرح و نظارت بر پروژه‌های معماری و ساختمانی و انجام کلیه اموریکه بموضوع فوق مربوط باشد.

۲- مرکز اصلی شرکت: تهران نارمک - فرجام شرقی - پلاک ۱۱۳ و شعبه آن بندرعباس، کمربندی جنب تعمیرگاه منوچهر - محله آیتاله غفاری پلاک ۱۳۲

۳- سرمایه شرکت: مبلغ پنج میلیون ریال نقدی است.

۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقای حیدر رستمی بسمت مدیرعامل و عصو هیئت مدیره و خانم کنیز سلیمی بسمت رئیس هیئت مدیره و خانم اشرف رستمی بسمت عضو هیئت مدیره برای مدت نامحدود تعیین و امضاء اوراق و اسناد مربوط بشرکت از قبیل چک، سفته، برات، قراردادهای تعهدآور و اسناد رسمی با مدیرعامل شرکت منفرد و با مهر شرکت معتبر میباید. م- الف ۱۶۰۵۳

اداره ثبت شرکتهای و موسسات غیرتجاری

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳
خیابان سپهدر قری خیابان سپید شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷
صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

جنگ را با همه نیرو و تأیید و تأیید نهائی دنبال کنید

انتقاد رهنمودی است بر سازندگی

انتقاد بازتابی است از ساخت روانی آدمی. آدمی هرگز سراپا اندیشه و عمل نیست. قدرت تخیل یکی از واقعیترین بافتهای روان آدمی است و ناگزیر باید زمینه حرکتی برای این بافت فراهم آورد. هنر یکی از اساسیترین جلوه گاههای قدرت تخیل آدم است ولی این زمینه توانائی آنرا ندارد که همه خیالپروریهای آدمی را خرسند دارد.

انتقاد سیاسی و اجتماعی جلوه گاه دیگری از قدرت تخیل آدمی است که با مفهوم هنر پهلومیزند، و به یک نیاز روانی پاسخ میدهد.

انتقاد رهنمودی است بر سازندگی و رشد و بر کمال جویی، خرده گرفتن بر آنچه حاصل آمده است. زمینههای سازندگی و کمال بخشیدن را روشن میدارد و هموار میسازد. نطفههای هر پیشرفت فردا در انتقادهای امروز نهفته است.

انتقاد کنندگان، با انتقاد خود، طرحی از فردای بهتر تدارک می بینند. انتقاد، در حقیقت زهدانی است که اندیشهها و شیوههای تازه را در درون خود می پرورد و آنگاه که این پرورش یافتگان به حدی رسیدند که شکل و هیئت قابل درک بیابند آنها را به گونهی فرزندان نوآمده به کارگاه فرهنگ عرضه میکنند.

انتقاد در زمینه حیات سیاسی و اجتماعی و در زمینه هنر همان نقشی را بر عهده دارد که فلسفه در زمینه علم.

علم در زمینه جستجوهای فلسفی نطفه مینهد. فلسفه با گفتگوهای نظری آزاد، زمینههای تازه علمی را از حالت گنگی و ابهام خارج میسازد، آنها را مشخص میدارد و به علم فرصت میدهد تا آن نطفههای شکل یافته را با روشهای خاص خود پرورد و از آنها درختی کهن و پرشاخ و برگ و میوه عرضه دارد.

انتقاد در زمینه حیات ملی چنین وظیفهای بر عهده دارد. مردان تلاش و عمل، توانائیهای خود را در زمینه ساختن و پرداختن و آراستن به حرکت درمی آورند و دستاوردهایی در گونه گون مظهرهای حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی عرضه میدارند و انتقاد کنندگان با انتقاد کردن از آنچه شده است و با طرح کردن آنچه میتواند بشود نیازهای تازه برمی انگیزد و این نیازها مردان عمل را برمی انگیزد که تلاشهای تازه به جای آرند و نارسائیهای گذشته را بزدايند و به سوی کمال گام بردارند.

انتقاد بدین معنی یکی از بافتهای اساسی حیات ملی سالم است و جلوگیری از انتقاد، در حقیقت از کار انداختن یکی از مکانیزمهای اصلی پیشرفت است. جریان آزادانه اندیشهها و گفتگوها، نه همان که راهها و زمینههای تازه حرکت را باز می نمایند، که لغزشهای احتمالی دولتمردان را نیز پیشگیری میکند و قوام و استواری اخلاقی جامعه را تضمین می نماید. خاموش ماندن انتقاد، زمینه

لغزشهای اخلاقی را آماده میسازد و نابآوریهای ملی را فزونی می بخشد و نارسائیها و درماندگیهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را پوشیده میدارد و هر جامعه که به چنین حالی دچار آید، بی هیچ گفتگو از هر گونه رشد و کمال جوئی در همه زمینهها به دور می افتد. انتقاد اگر به شکل عیبجوئی هم در آید تا آنجا که بی جهت بر مردان تلاش و عمل خردهها گیرند، باز بهتر از آن است که یکسره از میان برداشته شود.

دولتمردان در میدان گشاده حیات اجتماعی امروز باید خود را آماده شنیدن انتقادهای بجا و نابجا بکنند و ایشان باید چنان استواری روانی و عصبی از خویش نشان دهند که عیبجوئیهای بی خبران و ناآگاهان و حتی تنگ نظران بر آنان افق سیاسی را تیره ندارد.

اگر مردان عمل با نیت خدمت به مردم به میدان تلاش سیاسی و اجتماعی گام نهاده اند، و در راه آرمانهای خود رنجها پذیرا میشوند، باید رنج شنیدن نکتههای ناروای عیبجویان را هم بر خویش هموار کنند. در دنیای کنونی تلاش سیاسی و اجتماعی داشتن، در حکم گام زدن در بیابان بی برکتی است به شوق کعبه و در چنین راه پیمایی باید از بسیاری خاراها و مخیلان سرزنشها کشید و این سرزنشها را هم باید به خاطر رفاه میلیونها مردمی تحمل کرد که امید به دولتمردان خود نهاده اند. باید برای انتقاد در مجموع مکانیزم سیاسی و اجتماعی، جایی در خور فراهم داشت و باید فرصتها و شیوههای کارسازی پدید آورد، تا انتقاد از این فرصتها و شیوهها بهره گیر و نارسائیها را به نمایانند و راه روشن کمال را باز گوید.

دور داشتن انتقاد از حیات سیاسی و اجتماعی، زبانی بسیار بزرگتر از آنچه گفته شد در بردارد. ناشناخته ماندن تنگناها یا پدید نیامدن راهها و اندیشههای نو زبان اساسی محدود داشتن انتقاد نباید پنداشت که با محدود ساختن انتقاد، به راستی اندیشه آدمی از تکاپو باز میماند و دیگر کسی در صدد گفتگو از نارسائیها بر نمی آید. خیر، به هجرویی چنین نتیجهای به بار نخواهد آمد. آنان که نارسائیها را در مییابند، اینجا و آنجا به بازگو کردن آن می پردازند.

انتقاد اگر به گونه رسمی و سازمان یافته محدود یا ممنوع شود، به گونه غیر رسمی و بی سازمان اوج می گیرد و کار به جایی میرسد که گفتگوهای روزانه مردم در هر معبر و محفل و در هر دیدار، برگرد تنگناها و نابسامانیها دور میزند.

آنگاه که کار انتقاد از نظم سازمانی و قانونی خارج شود زمزمههای درگوشی، شایعه سازیها، افسانه بافیها آغاز می گردد و هر عیب و نارسائی چند برابر بزرگتر نمایش داده میشود.

در چنین حالتی، یعنی به هنگامی که انتقاد کردن منع

قانونی یا عملی یافته باشد، زبان به انتقاد گشودن وجهای قهرمانی به خود میگیرد.

قافله انتقاد کنندگان هر روز طولانی تر میشود و چگونگی انتقادهای شدیدتر می گردد و کسان برای آنکه بر ناآگاهیها و ناتوانیهای خود پرده برکشند، بی محابا زبان به انتقاد می گشایند و در این حال انتقاد آسانترین راه توجیه خویش است و قهرمان شدن است و هر کس برای فرو رفتن در پوشش قهرمانی به آسانترین راه که پیوستن به جرگه انتقاد کنندگان است گام می نهد.

در چنین حالی، انتقاد کردن، صورت عیبجوئی به خود می گیرد، و همه زمینههای علمی و سازمانی خود را از دست میدهد و فضائی در ساخت اجتماعی پدید می آید که در آن قدر آدمی، دیگر به دستاوردها و ارزشهای فنی و تخصصی و اخلاقی نیست، بلکه ارزش وی بامعیار بلندتر و تندتر عیب گرفتن مشخص میشود.

در چنین فضائی قهرمانهای ملی، دیگر آنان نخواهند بود که سالها و سالها به کسب فضیلت پرداخته و قاعدههای اخلاق را رعایت کرده اند، بلکه هر کس بتواند عیبی تازه بشناسد و داستان درد انگیزتر بر پیکان سخن به نشاند، قهرمان میشود. در چنین حالی، ضابطههای اخلاقی در انتقاد کردن فرو می ریزد و عیبجوئی رها و بی بند و بار خوراک فکری جامعه میشود.

بر اثر چنین شیوههای انتقادی، جامعه ملی به دو پاره بزرگ تقسیم میشود. دو گروه پدید می آیند که وظیفه اصلی خود را در عیبجوئی از یکدیگر می شناسند و تهمت باریدن بر سرهم را تفاخر اساسی خود می شمارند و روحیهای که از این شیوه انتقاد کردن برمی خیزد، جز روحیه ویرانگری و بدگمانی نتواند بود.

مضمحل کردن شیوههای سالم انتقادی، سرانجام به پاره پاره شدن جامعه می انجامد. و در چنین فضائی دیگر افسانههای سالم آماده قبول مسئولیت نخواهند بود.

در چنین وضعی نجات و نجات از فضای سیاسی و اجتماعی کشور خوارانده میشود و فقط آنان که به احترام اجتماعی و مردمی خود ارج نمی نهند در صفهای مقدم حیات ملی به تکاپو برمی خیزند.

زبان اساسی جلوگیری از انتقاد، فرو خفتن فضیلت و سربرداشتن و طراری است. در چنین فضائی فضیلت در همه جبههها، و در همه زمینهها فرو می خسبد، و نه تنها در صف حکومتگران که در صف انتقاد کنندگان هم. در چنین فضائی، نظم فکری و خواستههای منطقی از میان برداشته میشود و عیبجوئی سخن سرآمد همه مردم می گردد. و در هر دو سوی جامعه، یعنی هم در سوی حکومتگران و هم در سوی حکومت شدگان بی مبالائی و افتراء و هتک حرمت رواجی فراوان می یابد.

در چنین فضائی، حتی حکومتگران هم، برای نگاه داشتن خویش بر کرسی قدرت ناچار از عیبجوئی و بدگوئی میشوند.

در سالهای زشت گذشته، مردم شاهد پدید آمدن و با گرفتن چنین فضائی بودند و نتیجه آنکه آتش بیاران نظام حاکم هم برای آنکه خودی بنمایانند زبان به هجو می گشادند، و هر کدام می کوشیدند، دیگری را به بیگانهای تهمت فرو کوبند و گرچه همه آنها دربار کردن گناه بردیگری حق داشتند و آنچه در بالا هم می گفتند درست و روا بود و اندکی بود از بسیار، ولی آنان به لحاظ نارواییها و پلیدیها که در یکدیگر سراغ داشتند، زبان به بدگوئی نمی گشادند، عامل برانگیزنده ایشان به بدگوئی از هم، آلوده شدن فضای اجتماعی و سیاسی زمان بود، و در چنین فضائی هیچکس نمی توانست جز به بدگوئی از دیگری زبان گشاید.

به هوش که اینگونه فضاها، بار دیگر در زندگی اجتماعی و سیاسی ایران باید پدید نیاید، و فضیلت، در میان عیبهای واقعی و غیر واقعی دیگران، تجسم نیابد. قهرمانی، تنها با جستجو در عیبها پدید نمی آید، قهرمانی را صدها ارزش اخلاقی و فکری باید.

مبادا، فضایی پدید آید که در آن فضا ارزش فکر سازنده و مثبت و اخلاقی اجتماعی، جای خود را به عیبجوئی و تهمت بدهد. هم اینک فضای کشور آکنده از گونه گون تهمتها است. هم اینک داستانهای رنج آور از زشت کاریها و تباهیهای این و آن، سینه به سینه نقل میشود، و این گفتارهای خصوصی و آرام، می رود که ارج اخلاقی را در جامعه بار دیگر فنا کند و فضیلت را فرو کوبد و کشور را در دورانی بسیار تلخ و عاری از اخلاق و فضیلت غرق کند.

چاره، و تنها چاره، این موج فزاینده بی فضیلتی آن است که انتقاد آزاد گردد و مردم بتوانند، آزادانه، دریافتهای خود را از شیوه کار دولتمردان بازگو کنند و دولتمردان هم از شنیدن انتقاد نباید که ابرو درهم کشند و چین به پیشانی آورند، ایشان باید بدانند که انتقاد شأن یک جامعه آزاد و زنده و پویا است.

در شرایط کنونی میهن ما، گروهی به بهانه جنگ و به بهانه حفظ وحدت بر انتقاد مهار می زنند. ایشان نمی دانند که انتقاد کردن آزادانه و بی هراسی، یکی از شرایط اساسی وحدت است. جامعه استوار و حکومت متکی به مردم از انتقاد نمی هراسد، و نباید به هراسد. انتقاد وسیله اندازه گیری استواری و پایداری و مردمی بودن حکومت است. تنها حکومتهای لرزان و غیر مردمی انتقاد می ترسند.

استواری ساختمانها در جریان ساختن، با ضرب تیشه و پتک می سنجند، چنان ساختمان استواری هرگز از فرو آمدن ضربهای امتحان کننده هراسی نیست، فقط بناها، به سسده و

«قاصدک»

قاصدک

بین چه خبرهای خوشی است. چه غروری

چه امیدی

چه شفا بخش تبی است.

قاصدک بال گشا

همگان منتظرند،

همه حتی آنکس

که زمانی میگفت:

«انتظار خبری نیست مرا»

همه حتی آنکس

که در آن ظلمت شب

و در آن اوج عبث گفت تو را:

«در دل من همه کورند و کردند».

قاصدک بال گشا

همه جا جار بزن

به همه مژده بده

همگان منتظرند.

برو از جنگل گیلان به کویر

برو از ساحل اروند به دریای جنوب

برو از قلهی البرز به قفقاز اسیر

برو هر جا که «امید»ی خفته است،

برو هر جا که گلی پژمرده است،

برو هر جا که زخاک میهن،

لاله ای روئیده است.

همه جا جار بزن

به همه مژده بده

به همه نیک بفهمان که امید

زنده شد بار دیگر.

این خبر را همه جا جار بزن

زیر هر گوش بفریاد بگو:

«انتظار ت بسر آمد، برخیز».

قلب یاران شهید

در دل خوزستان،

در کنار اروند،

در همه خاک وطن،

بذر خون پاشیده است.

قاصدک بال گشا

برو هر جا با باد

گرد هر بام و دری بود، بگرد

روی هر شاخهی نورسته که دیدی بنشین

هر کجا حلقه بدر بود، بکوب

هر درسته که دیدی بگشا.

.... و در این راه دراز

گر که روزی گذرت از طیس و طوش افتاد

شاعر «دروطن خویش غریب»

آن زمستان زده،

آن لولیوش

آن همان «مرثیه خوان وطن مرده»ی ما را دریاب،

مزدگانی بستانش یک شعر

و به او مژده بده:

ک... ی درویش

شعله های همه عالم شب و روز

در اجاق دل ما شعله ور است.

اکبر اخوان

۵۹۷/۲۵

کردن انتقاد است که حکومت را به تزلزل می رساند و اخلاق سیاسی را به پستی می کشاند و قهرمانی را در مروجهای هوجبگیری غرقه میسازد.

قهرمانان ملی، می باید از فضیلت های اخلاقی و نظام فکری والا و برنامه مثبت و سازنده پارسائی سیاسی بسیار برخوردار باشند.

و این معنی جز دزیرتو انتقاد سازنده و سامان یافته حاصل نمی آید. و اگر جز این شود موجهای بالا گیرنده انقلاب را به سیاهچال خفقان و هژماد همیشگی آن، یعنی جنجالهای بی مایه سیاسی می کشاند. این خطر را باید شناخت و از آن پرهیز کرد.

در حال ریزش است که هر تک سرفه را گناهی می داند، زیرا هر تک سرفه باعث میشود که خستی از طاق فرو افتد.

حکومت استوار، از دریافت نظر مردم متزلزل نمی شود، و دشمنان هم به خوبی در خواهند یافت که انتقادهای در یک مجموعه اخلاقی و سامان یافته، به قصد استوار کردن حکومت صورت میگیرد، نشان محبت مردم و حکومت به یکدیگر و نشان خلوص و باور حکومت کنندگان و حکومت شوندگان به یکدیگر است.

آنان که می پندارند، انتقاد آزادانه و سالم، به سستی حکومت می انجامد، به سستی در اشتباه اند، بلکه بر عکس محدود

قوه قضائیه باید مستقل باشد نه سلطه جو و انحصار گر

سیاسی کردن نهادهای دادرسی دهشت انگیز است

عدالت را که هدف بنیادی مردم است مدیدد ایران است به بازیچه نگیرید

خانه‌ها و باغها و املاک و دارائی‌های منقول فراوانی را از مردم بنالحق گرفته‌اند و بی‌آنکه بمعنای واقعی کلمه بسود مستمندان آنرا «ملی» نمایند، بنام «مصادره اموال» منافع حاصل از آن را به چپاول می‌دهند و یا ویرانی‌های کشور را زیاده‌تر می‌کنند.

گفتگوهای زیادی از فروش قالی‌های نفیس و عتیقه‌های کم نظیر ایرانی و خارجی شنیده میشود از پرواز بیش از ده هواپیمای حامل اشیاء گرانبها و فروش آن به خارجیان سخن بمیان می‌آید. از حیث‌ومیل در «بنیاد مستضعفان» مدارکی تهیه شده است. از تصرف‌های نابجا در بودجه کشور (=

بیت‌المال ملت) حرف‌هایی بگوش می‌خورد. از درآمدهای هنگفت فرار دادن «مفسدین فی‌الارض» به خارج مطالبی باطالع مردم رسیده است. این سخنان درست است یا شایعات «ضدانقلاب» می‌باشد!!؟

قوه قضائیه کشور. آیا از چماق‌داری و چماق کشی، برهم زدن اجتماعها، بسته شدن حزبها و سازمانهای سیاسی، ممنوعیت نشر روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتاب‌ها، جلوگیری از سخنرانی‌ها و سخنگوئی‌ها، آگاهی دارد یا خیر؟ آیا میدانند که آزادی در این کشور نابود میشود؟

قوه قضائیه کشور آیا می‌داند که بدنبال خرابکاری‌ها و بی‌تخصصی‌ها و فرار دادن مغزها و نابود کردن صنعت و کشاورزی و هر نوع سازندگی دیگر، کشور اندک اندک نیازمندتر از سابق به بیگانگان می‌شود و این نیازمندی نوع جدید وابستگی را بوجود می‌آورد؟ آیا میدانند که استقلال در این کشور نابود میشود؟

قوه قضائیه کشور آیا آن‌سان که میگویند، از انواع اجحاف و فساد و قتل و زدی به شیوه‌های مختلف تهدید و ارعاب و رشوه‌گیری و..... آگاهی دارد یا خیر؟ آیا میدانند که در صورت تحقق داشتن، عدالت در این کشور نابود میشود؟

قوه قضائیه پیوند خورده با قوه اجرائیه و قوه تقنینیه که هر سه آنها در «کانون واحدی» کار گزار همه حرکتها و کردارهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه شده‌اند، آیا میدانند که کافی نیست نام «جمهوری اسلامی» برخورد نهند و در عمل نظام جدیدی برپا دارند که خدای ناکرده، مردم مسلمان و ستم‌دیده و ستمکش، اما آزاده و سربلند ما بیش از گذشته خود را زیرستم و ناامنی بیابند.

آن روز میاد که «نظام جمهوری اسلامی ایران» متزلزل گردد.

آن روز میاد که «انقلاب اسلامی ملت ایران، بنابودی کشیده شود، آن روز میاد که خون «شهیدان» ایران زمین، حتی یک قطره‌اش، هدر رفت باشد.

هنوز هم دیر نشده است. هنوز هم وقت باقی است.

آری هنوز هم این ملت بزرگ و تاریخ‌ساز می‌تواند آب رفته را به جویبارها بازگرداند و ایر «معجزه» به وحدت نیاز دارد و آنانکه با خون پاک خود تاریخ را رقم زدند، آنانکه در جبهه‌های جنگ آینده درخشان میهن خود را ترسیم می‌کنند، هنوز هم آماده وحدت هستند. آری بپاخاستگی ملت در وحدت بوده است و تداوم زیست شرافتمندانه ملت ما نیز در وحدت می‌تواند نقش آینده ساز خود را بدست آورد.

اگر به آزادی اعتقاد دارید، اگر به استقلال گرایش دارید، اگر به عدالت پای‌بند هستید

اگر به جمهوری اسلامی ایران ایمان دارید، بدانید که زمان، زمان وحدت است، وحدت در عمل و در گفتن: یا ایهاالدین اموا «آمنوا»

اسلام انجام می‌دهند و همین جاست که گاه بعضی کسانی بی‌غرض و بی‌مرض این پرسش‌طور میکنند که آیا این گروه «مکتبی» برای نابودی، دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران، بنام اسلام، بسیج نشده‌اند؟!

در روند این عمل‌ها، حزب‌ها و جمعیت‌های سیاسی یکی پس از دیگری سرکوب می‌گردند و بگونه کشورهای نظام تک حزبی، فقط یک سازمان «مکتبی» می‌تواند دارای فعالیت‌های سیاسی باشد (=حزب‌های فاشیست و نازیست و کمونیست و بعث و «رستخیز!» را بخاطر آورد).

مطبوعات و انتشارات از آن یک گروه سیاسی می‌شود و دیگر گروه‌ها حق پخش نوشتارهای سیاسی و اجتماعی و علمی ندارند (=روزی نامه‌ها و رنگین‌نامه‌های دوره استبداد سلطنتی و حمله به کتابخانه‌ها و مراکزهای انتشار اعلامیه‌ها و خبرنامه‌های «زیرا کسی» را در آن روزگار بخاطر آوردید و مقامی‌کنید با یورش‌های جدید «حزب الهی» به روزنامه‌ها و کتابفروشی‌های جدید از جمله در ماه خونین محرم به اداره روزنامه میزان و کتابفروشی رواق!)

تظاهرات و میتینگ‌های سیاسی و دینی بتدریج فقط بیک سازمان سیاسی تعلیق پیدا می‌کنند (ماجرای عید قربان و اجتماعات دانشجویی آخرین ماههای رژیم ساقط شده پهلوی و حمله چماق‌داران جدید را به مجلس سوگواری عاشورای حضرت حسین بن علی (ع) در مشهد مقدس که در آن استاد محمدتقی شریعتی و استاد علی‌تهرانی سخنرانی می‌کردند، بیاد آورید)

تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی فقط در پیوند با یک سازمان سیاسی تحقق می‌یابند و شغل‌های علمی و اداری و گاه‌گاه «آزاد» از آن کسانی می‌شود که بستگی به آن «کانون قدرت» داشته باشند (سندیکاها فرمایشی ساواک ساخته و تعلقات شغلی و مقاطعه‌کاری دوران پهلوی و پاکسازیهایی بی‌بنیاد و غرض‌ورزانه کنونی و دادن جواز معاملات به خاندان جلیل «مکتبی‌ها» را بخاطر آورد) فاعلسبتیروا یا اولیستوالابصار این حرکت‌های ضداسلامی که بنیادهای انقلاب را متزلزل ساخته و از شکوهمندی نظام جمهوری اسلامی ایران کاسته است، امری اقتصادی و صنعتی و کشاورزی و دیپلماتیک نیست، و به تخصص‌های جدید هم نیاز ندارد و در جمع تعلق به نهادهای قضائی کشور دارد که طبق قانون باید پاسخگوی «تظلمات و تعدیات و شکایات» مردم باشد و متصدیان آن نهادها، که از فقیهان جامعه هستند، و علم و تخصص خود را نیز در این کشور بر مبنای اصول و ارکان فقهی فرا گرفته‌اند، و خود را انقلابی نیز می‌دانند، آیا در برابر این ناپسامانی‌ها توضیحی دارند؟

راستی در این است که بسان انقلاب مشروطیت انقلاب اسلامی ملت ایران نیز در دام «قدرت» افتاده است و کانون‌های تصمیم‌گیری به کلیت جامعه تعلق ندارند.

گردانندگان قوه قضائیه کشور تسلط کامل به حرکت جامعه پیدا کرده‌اند و برای اعمال خواسته‌های سیاسی خود، به همه شیوه‌های «قدرتمدارانه» دست می‌زنند.

هر نهادی برای خودش زندان دارد که بگفته رئیس جمهور عدد آنها به شش میرسد.

سیار کسان بنالحق اعدام شده‌اند. سیار کسان ناحق زندانی هستند، سیار کسان بیش از یکسال است که در زندان هستند و هنوز هم معلوم نیست لاتکلیفی آنان تا کی بطول انجامد و گفته میشود در زندانها ساط شکجه برپاست.

«تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» (بند ۱۴ اصل سوم) - «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» (بند ۲ اصل یکصد و پنجاه و ششم).

قوه قضائی کشور و نهادهای وابسته و پیوسته به آن عهده‌دار وظیفه‌هایی است که بخشی از آنها در این دوبند آمده و ملت ایران به آن رأی داده است. آری ملت ایران به قانونی رأی داد که این آیه شریفه زینت‌بخش آن بود: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقیسط» حال باید دید این قسط اسلامی (عدالت) تا چه میزان با قوه قضائیه کشور بمنضم ظهور و عمل رسیده است.

قوه قضائیه که طبق اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت» است بعلت زیر سلطه قرار گرفتن وسیله «کانون قدرت ویژه» و سیطره همه جانبه «انحصاری» بر آن، از یکسو کارائی اسلامی خود را از دست داده است و از سوی دیگر بموجب گستردگی قدرت «کانون» مزبور در دیگر قوه‌های اجرائی و قانونگزاری و ارگان‌های کشوری و نهادهای انقلاب، نه تنها حق اظهار نظر و انتقاد را از مردم سلب کرده، بلکه با بکار گرفتن شیوه‌های «تبلیغاتی خاص همراه با تهدید و تطمیع نوعی «حقانیت» مبتنی بر زور، برای خود فراهم آورده است بطوریکه تداوم آن طی دو سال گذشته در برداشته‌ها پیوندهایی بنام «مکتب» و رفتارهایی بنام «مکتبی»، با نابود کردن بسیاری از آرا‌دیهایی فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز شکل جدیدی از حکومت شده، که هر چند دچار ترلرل و بی‌دوامی است اما بقول مرحوم نائینی می‌توان بآن نام استبداد دینی داد.

این قوه در ظاهر «مستقل» اما در عمل «مسلط» و بدلیل سیاسی «انحصار گر» و حاضر در همه جا، نخست از لحاظ نیروی انسانی پایگاه مناسب «قدرت» را تهیه کرد و این همان زمانی بود که نیروهای بنیادمند انقلاب در خط سازندگی قرار داشتند.

بدیهی است افراد و گروه‌هایی در خدمت سلطه‌گران قرار می‌گیرند که از لحاظ تقوی و علم و تخصص بی‌مایه یا کم مایه باشند و آنانکه در مسیر اسلام راستی، پرهیزگار و دانشمند و کارداران و در مباررات سیاسی با سابقه هستند با بکار بردن شیوه‌های توتالیتریستی بنام «لیبرال» و «مناقض» و «ملی‌گرا» (ونه ملی نمائ!) و حتی «مستخص وعالم» از پهنه فعالیتها و ساردگی‌ها کنار نهاده میشوند و در نتیجه نیروی انسانی ناآگاه و ناتوان که بعضی گذشته‌های تاریکی هم دارند، عهده‌دار کارهای مهم کشوری گردند و شگفتا روزگارا که این گروه، با همه حواری خود را «با ایمان» نیز می‌نامد در حالیکه در قرآن مجید آمده است: انتم الاعلون ان کنتم مومنین.

قوه قضائیه «سیاسی شده» کشور با داشتن این خدمتگزاران حاضر در همه جا دیگر نیازی به «دادرسان» و «وکیلان» با ایمان و کارداران ندارد و بهمین دلیل در غالب کمیته‌ها و دادگاه‌ها و دادرها و کسانی عهده دار حل و فصل دعاوی حقوقی و کیفری مردم شده‌اند که تفنگ و جسارت دارند اما از علم و شفقت بی‌بهره‌اند.

این گروه سیاسی وابسته به نهادهای قضائی، در هر شهر و روستائی در رابطه با قدرت‌ها متکی به «کانون انحصارگری» عدالت را که هدف بنیادی مردم ستم‌دیده این سرزمین است به بازیچه گرفته و با صدور حکمهای صد و فیض، رنگی و حبس و آبرو و احترام انسانی را بر باد می‌دهد و با کمال آسف همه این کردارهای رشت و سیم‌گرانه را سام

پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و آغاز اداره کارهای کشور وسیله نیروها و کار بدستان جدید، چشمگیرترین ناراضی‌های مردم که در رابطه با کردارهای حکومتی آشکار شد نوعی حساسیت در جامعه انقلابی ایران بوجود آورد، «قوه قضائی» و نهادهای مربوط به آن بود.

مردم ایران که در شعار «آزادی» نیاز عدالت را در پیوند با حیثیت ذاتی انسان طلب میکردند و در شعار «استقلال» نابودی ستم‌های گوناگون برخاسته از سلطه‌گریهای بیگانگان را میخواستند، و از «نظام جدید» نابودی هر نوع بیداد و تباهی را انتظار داشتند، بدنبال آن قیام شکوهمند و خونین نمی‌توانستند بی تفاوت بمانند.

هنگامی ژرفای این نیاز روشن میشود که با الهام از تاریخ، مبارزات عدالت‌خواهانه ملت ایران شناخته گردد، ملت پیکارگری که تلاشهای پردوام برضد ستم‌های درون مرزی و برون مرزی، زندگینامه پر افتخار رازرین ساخته و هیچگاه برای اجرای عدالت از پای ننشسته است.

مورخان درباره دادخواهی و انسانگرایی مردم میهن ما می‌نویسند:

«ملت ایران همواره شیفته حق و عدالت بوده و به دادرسی نیک، احترام می‌گذاشت» گیرشمن ص (۱۳۴) متهمان و بدکاران را بعنوان تنبیه و هدایت بدام گاه‌های کشوری می‌بردند و بقول هرودوت: «توجه به سوابق متهم از بدونیک، از اصول مسلم دادرسی ایرانیان بوده است» (ویسل دورانت جلد اول ص ۵۳۲) در اجرای دادرسی بر بنیاد عدالت و گزینش قاضی و وکیل مدافع، کوشش و دقت فراوان نشان میدادند، گزنفون شهادت میدهد که:

«در ایران آن زمان قضات از میان باسوادانی انتخاب می‌شدند که از پنجاه سال به بالا داشته و در کارها آزموده باشند» (کوروشنامه، کتاب اول ص ۴).

اقبال مردم ایران به اسلام نوعی از احساس به عدالت‌خواهی و مبارزه با ستم را نشان میدهد. توجه خاص مذهب شیعه به اصل عدالت و قبول این مذهب از سوی ایرانیان و علاقمندی نیاکان ما به خاندان علی علیه‌السلام بگونه مظهرهای حق طلبی، نمونه دیگری از این عاطفه انسانی است. ادب سیاسی و اخلاقی، اندرز نامه‌ها و شعرو عرفان ایران جلوه‌های درخشان عدالت‌خواهی ملت ما را بیان داشته است.

اما کانونهای قدرت، سیاسی و اقتصادی در اجرای عدالت، همه گاه مانع‌های اصلی را بوجود آورده‌اند و هر شخصی یا هر نیرو و کانونی که خود را وابسته به «قدرت» کرد، یا خود «قدرت» شد، گوئی نیاز به عدالت را در روند این حرکت جدید، از دست داد و بقول فراهم آورنده، «کلیله و دمنه هر کس دست خویش مطلق دید، دل بر خلق عالم کز کند!» یا از زبان کتاب مقدس آسمانی، قرآن مجید:

«ان الانسان لیطغی ان راه استغنی».

در دوران معاصر، تشکیل وزارت عدلیه، صدوق عدالت، عدالتخانه، عدالتخانه دولتی و سرانجام مشروطه خواهی همه برای این بود که افراد جامعه در

برابر قانون «متساوی‌الحقوق» باشد و بران دیگر عدالت در جامعه عملی گردد. اما همان کانون‌های فسادانگیر و فسادآور سیاسی و اقتصادی که پس از احرای لفظی اصل تفکیک قوا سلطه‌گران قوه مجریه کشور در رابطه با استعمار و نفوذ بیگانگان، شده بودند به تنها شرایط و موقعیت رشد قسوه قضائیه را فراهم بیاوردند بلکه، این قوه تأمین و تضمین کننده عدالت، همگام با قوه مقننه، سگوه ارار دست صدرنشیان قوه مجریه (کار بدستان نظام سلطنت استبدادی وابسته به بیگانگان) درآمد. انقلاب نیست و دوم بهمن ۱۳۵۷، تاریخی‌ترین حرکت مردم ایران رمیی بود که با الهام از ساورهای دینی و فرهنگ ملی، برای ایجاد نظام مستنی بر عدالت تحقق یافت و نظام جمهوری اسلامی نهاد کارسار این بیار تاریخی (عدالت) و قانون اساسی آن مشور پویا و استوار عدالت‌خواهانه ملت ایران است که حوسهای انقلاب، نام گرفته است.

مردم میهن خویش ما، رماییکه به قانون اساسی رأی دادند، ارزش والای بعضی اصل‌ها و سندهای آنرا بیشتر در نظر داشتند از حمله:

مردم را از همه رویدادهای کشور آگاه‌سازید.

سیمای عدم تعهد

سیاست تازه‌ای برافق زندگی ملت‌ها پیوند استقلال و توسعه با یکدیگر

جواهر لعل نهرو، در توجیه پدید آمدن جنبش عدم تعهد چنین گفت: «ما تاریخ را به انتخاب خویش خواهیم ساخت. ما می‌خواهیم از سیاستهای قدرتمندان جهانی دوری کنیم، ما نمی‌خواهیم به درگیری قدرتهای جهانی کشیده شویم. این درگیری‌ها جنگهای بزرگ جهانی را پدید آورد، و در آینده نیز شاید، که جنگهای گسترده‌تری را باعث شوند».

از پیدائی جنبش عدم تعهد بیش از بیست و چهار سال گذشته و در این مدت همواره اندیشه برهیز کردن از سیاستهای قدرتمندان جهانی، همنامی رشد و گسترش آن بوده است.

در این مدت، کشورهای غیرمتعهد، گرد همائی‌های پراثر برپا کردند تا برداشتهای خود را از آنچه در جهان ملتها میگذرد با هم در میان نهند. از کنفرانس بلگراد که نخستین کنفرانس گسترده کشورهای غیرمتعهد بود تا کنفرانس هاوانا که تازه‌ترین آنها است، هر ساله کشورهای غیرمتعهد به دیدار یکدیگر و مبادله آراء و عقاید با هم، متافته‌اند.

ولی این گرد همائی نباید چنین تصویری در ذهن بجا داند که این کشورها، خود گروه‌بندی تازه‌ای در سیاست جهانی پدید آورده‌اند. بلکه برعکس لاش آنها برای دور ماندن از هر گروه‌بندی است. برای آشنا تر شدن با جنبش عدم تعهد، بسیار جا است که باورها و برداشتهای این جنبش را به گونه‌ای فشرده بررسی کرد.

عدم تعهد، در آغاز پیدائی، گونه‌ای واکنش بر برابر جنگ سرد قدرتمندان جهانی بود که ی‌کوشیدند، کشورها را به مدار سیاست خود وارد کنند و از جمع آوردن آنها در این مدار، یک نظم نامانی پدید آوردند که به نام «بلوک» شناخته ده است.

«بلوک» بندی به دنبال خود اتحادهای نظامی را وجب میگردد و جنبش عدم تعهد در آغاز ی‌خواست که کشورها از گرویدن به «بلوک‌ها و اتحادهای نظامی» دور بمانند.

عدم تعهد به این معنی، آرام آرام، مفهوم استقلال سیاسی را در ذهن‌ها پدید آورد. و شورهای کم قدرت برای آنکه «استقلال سیاسی» «استقلال تصمیم‌گیری» خود را از دستبرد قدرتمندان جهانی برکنار دارند، بهترین و المترین راه را، در پیوستن به جنبش عدم تعهد استند.

ست است که جنبش «عدم تعهد» به گونه‌ای یک کنش در برابر جنگ سرد پدید آمد ولی هرگز این حالت باقی نماند و خاموش شدن جنگ سرد، گز باعث نشد که «عدم تعهد» معنی و مفهوم ود را از دست بدهد. «عدم تعهد» به عنوان یک یوه و یک اصل رهنمای سیاست خارجی شورهای رها شده از سلطه قرار گرفت.

کشورهای گوناگون توانستند با تکیه کردن به یادهای «عدم تعهد» معنی و محتوا و همچنین کل روشنتر و پاکیزه‌تری به سیاست خارجی خود هند.

انتقال ظاهری قدرت، یکی از برجسته‌ترین وه‌های سیاست جهانی پس از جنگ جهانی دوم ت. کشورهای قدرتمند، که ادامه سلطه رسمی و کار خود را بر کشورها، ناممکن یافتند، شیدند تا دولتها و نظامهای در کشورهای زیر طه پدید آوردند که رنگ و شکل بومی به خود یرند ولی در واقع ادامه‌دهنده و دنباله‌رو استهای پیشین کشورهای سلطه‌گر باشد و براین قال ظاهری قدرت هم نام «استقلال» می‌نهادند دید آمدن آن را با شور و شفع فراوان جشن گرفتند.

جنبش عدم تعهد این صحنه‌آرایی‌های سیاسی را د کرد و اینگونه استقلال کشورها را پذیرفت و است که کشورها به راستی و با تمام معنی از نقلال سیاسی برخوردار باشند.

معنای واقعی استقلال سیاسی، که مورد نظر، نبش عدم تعهد است. حاکمیت ملتها بر نوشت خود، و بر آمدن دولتها و حکومتها، اساس خواست و اراده آزادانه و آگاهانه ملتها ت، و چنین دولتهائی باید قدرت و فرصت را را ته باشند که سرنوشت ملت و کشور خود را با یار کامل تعیین کنند و باید ظرفیت آن را بیابند منافع ملی خویش را تشخیص بدهند و با جرأت آن دفاع کنند.

این کشورها باید از زمینه‌ها و شرایطی

برخوردار شوند که بر کمرشده اقتصادی و اجتماعی خود غالب آیند.

رسیدن به این هدفها در درجه اول مستلزم آن است که صلح در جهان برقرار و پایدار بماند. زیرا اگر چنین نشود، و اگر «تشنج» فضای سیاست جهانی را بی‌آرام سازد، این کشورها، نخواهند توانست پایه‌های استقلال سیاسی خود را استوار دارند و شرایط عقب نگه‌داشته‌شدگی را در هم شکنند. براین اساس تلقی کشورهای غیرمتعهد نسبت به جنگ سرد، فقط یک «واکنش» نباید به حساب آید بلکه باید به گونه‌ای یک شیوه عمل شناخته شود که از بنیادهای فکری و سیاسی مبتنی بر می‌خیزد.

نخست وزیر جامائیکا در یکی از گفتارهای خود در گرد همائی کشورهای غیرمتعهد این معنی را با روشنی چنین بیان کرد. «جنبش عدم تعهد با بلوک‌بندی مخالف است، زیرا آنها محدودیتهای پدید آمده از شرایط جهانی را بر آزادی کشورها بار می‌کنند» ولی از آنجا که جنبش غیر متعهدها همواره با کشمکش شدید و جنگ سرد بین دو ابر قدرت روبرو بود، بسیار منطقی است تا، در دستور کار خود، توجه خاصی به این مسئله معطوف دارد.

با اینهمه جنگ سرد تنها عامل پدید آورنده این جنبش نیست. «جنبش عدم تعهد» زیر تاثیر یک مجموعه بسیار گسترده عامل‌های ملی و بین‌المللی در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم رشد نمود. بسیاری کسان، اصرار دارند که جنبش عدم تعهد را با مفهوم «بی طرفی» همسان بدانند و گروه دیگری اعتقاد دارند که وجه اشتراکی بین این دو مفهوم وجود ندارد، و پیوستن به «جنبش عدم تعهد» در حقیقت گونه‌ای خارج شدن از محدوده «بی طرفی» است.

این هر دو گروه در اشتباه هستند. «جنبش عدم تعهد» به معنای «بی طرفی» و یا نقض آن نیست. «جنبش عدم تعهد» یک شیوه مثبت و سازنده است.

«جنبش عدم تعهد» هرگز به معنای فلج ماندن در سیاست جهانی نیست. «جنبش عدم تعهد» اجرای یک سیاست مبتنی بر اخلاق و ارزشهای انسانی است و یک شیوه عملی در کاربرد سیاستهای قدرتهای جهانی می‌باشد.

«جنبش عدم تعهد» اجرای یک قدرت روشن در ساخت سیاست جهانی راد خود نهفته دارد.

گروهی چنین تصور می‌کنند که اجرای قدرت در سیاست جهانی با رفتار آزاد و غیر متعهد در رابطه‌های بین‌المللی ناسازگار می‌باشد ولی این تصور نیز نادرست است. اجرای قدرت در سیاست جهانی، اگر بر پایه اخلاق و ارزشهای انسانی باشد، هرگز مفهوم عدم تعهد را خدشه دار نمی‌سازد.

متفکر برجسته سیاسی «شوارتزنبرگر» رابطه «عدم تعهد» و «اجرای قدرت» را چنین توضیح میدهد «سیاستهای اجرای قدرت، روابط بین کشورها را تعیین می‌کند. این سیاستها ممکن است الگوهای رفتاری خاصی را توصیه کنند، مانند سیاستهای تسلیحاتی، دیپلوماسی سلطه‌گری اقتصادی و سیاسی، امپریالیسم منطقه‌ای یا جهانی، اتحادیه‌های گوناگون، توازن قوا و سرانجام جنگ، و نیز ممکن است الگوهای رفتاری دیگری را توصیه و اجراء کنند. و یک سیستم در روابط بین‌المللی پدید آورند که هر گونه نظام سلطه‌گری را از معادلات جهانی حذف کند».

«جنبش عدم تعهد» این دوگانگی رابطه‌های بین‌المللی را مردود می‌شناسد و می‌خواهد که ارتباطی ارگانیک میان کشورها به گونه‌ای اعضای جامعه جهانی برقرار سازد. «جنبش عدم تعهد» هرگز نمی‌پندارد که هر گونه سیاستگری رو به سوی سلطه‌گری یا جنگ دارد و با صراحت اعلام می‌نماید که گونه دیگری از سیاست نیز هست که مبتنی

بر صلح، عدالت و پیشرفت می‌باشد و پیروی از آن را توصیه می‌کند.

دریافت نهرو در این زمینه چنین است «آنچه برای آسیا در وهله اول اهمیت قرار دارد، بر آوردن نیازهای اولیه بشری است. و سیاست عدم تعهد باید رو به سوی اجرای این نیازها داشته باشد. و عدم تعهد در این معنی یک جایگزینی برای سیاستهای اعمال قدرت سلطه‌گر در روابط بین‌المللی است».

چنین نتیجه‌گیری این پرسش را بر می‌انگیزد اگر سیاست اجرای قدرت سلطه‌گر رد می‌شود، آیا عدم تعهد ظرفیت آن را دارد که سیاست تازه‌ای برافق زندگی ملتها بار کند؟ و چه نوع سیاست جهانی باید اتخاذ گردد و رواج یابد تا خواست «جنبش عدم تعهد» بر آورده گردد. در پاسخ این پرسش باید گفت که «جنبش عدم تعهد» از نقش و اثر قدرت در سیاست جهانی آگاه است، و از این رو یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های «جنبش عدم تعهد» افزایش قدرت ملی کشورهای غیرمتعهد از طریق توسعه فزاینده شرایط و منابع اقتصادی- اجتماعی می‌باشد.

برای نمونه، در هند، جواهر لعل نهرو، کوشش کرد، برنامه‌هایی را اجراء کند که هدفشان ایجاد زیر بنای اجتماعی- اقتصادی متکی بر عدالت باشند. و می‌خواست با اجرای چنین برنامه‌هایی، قدرت کشور را فزونی بخشد ولی چندان برای افزایش ظرفیت جنگی کشورش تلاش نمی‌کرد.

اشتیاق نهرو برای فزونی بخشیدن به قدرت سازنده هند چنان بود که توانست در دوران نخست‌وزیریش، کشور هند را به صورتی در آورد که در میان کشورهای کم توسعه به طور نسبی کشوری پیشرفته باشد.

نتیجه کلی که از این بررسی گرفته میشود چنین است. «جنبش عدم تعهد» از مفهوم قدرت و شعاع عملکرد آن آگاه است ولی سیاستهای اعمال قدرت را با ارزشهای خاصی ترکیب می‌کند.

«جنبش عدم تعهد» بیان کننده نوعی اتحاد هم نیست و در حقیقت مفهوم نخستین، آنتی‌تز، دومین مفهوم است- عدم تعهد «اتحاد» ها را محکوم می‌کند و مردود می‌داند- «عدم تعهد» یک ایده منفی نیست، یک اندیشه تجاوزگر نیست، یک نظام دستیار گرد آوردن برای هجوم نیست، بی‌طرفی نیست، اتحاد نیست، سیاست اعمال قدرت خالص نیست و سرانجام چیزی شبیه «دکترین مونرو» هم نیست. «جنبش عدم تعهد» یک شیوه نوین در سیاستهای ملی و جهانی است.

این شیوه در بیانیه‌های پایه‌گذاران این جنبش منعکس شده و پس از آن در کنفرانس مقدماتی قاهره در ژوئن ۱۹۶۱ مورد بحث قرار گرفته و معیارهای آن مشخص گردیده است.

مهمترین معیار مشخص شده در کنفرانس مزبور «استقلال سیاسی براساس همیاری و عدالت» است این معیار با اندیشه نهرو مشعر بر ساختن تاریخ با اختیار و انتخاب ملتها به خوبی سازگار است و از جمع معیارها، دواندیشه اساسی بر می‌خیزد.

یکم- تأکید بر آزادی کامل فکر و عمل در روابط بین‌المللی که بر پایه این اندیشه کشورهای زیر سلطه باید برای آزادی خود به مبارزه برخیزند و حق تعیین سرنوشت خویش را به دست آرند. و زمینه بارور کردن آرزوهای ملی را فراهم سازند.

دوم- تنظیم روابط بین‌المللی بر پایه عدالت و همیاری، پدید آمدن بحران در روابط بین‌المللی رویدادی است، قابل تصور ولی راه حل بحرانه، باید از مدار قدرت خارج شود و مکانیزم‌های خاصی تعبیه گردد تا هر بحران را با رعایت معیار عدالت در معنای وسیع خود رفع کند.

تلاش کشورهای غیرمتعهد برای از میان برداشتن بحرانه به شیوه عادلانه، در فضای سیاست جهانی اثرهای بسیار گذاشته است. اکنون به همت این جنبش یک نیروی تازه به نام

«افکار عمومی ملتها» در صحنه سیاست جهانی خودنمایی می‌کند و بسیاری از سلطه‌گرایا را مهار می‌دارد.

برای استوار ماندن استقلال سیاسی، باید که از قراردادهای نظامی دوجانبه و چند جانبه گسست. عضو شدن در یک اتحاد یا بلوک محدود کردن آزادی‌های ملی و مانع اجرای کامل حق حاکمیت ملتها می‌باشد و بنابراین عدم حضور در بلوکها و اتحادیه‌ها یک خصلت اساسی عدم تعهد است. ولی عدم شرکت در بلوکها نباید بدین معنی تلقی گردد که فاصله جنبش از دو بلوک باید همواره به یک اندازه برابر بماند.

کا ربرد اصل مکانیکی فاصله برابر از دو بلوک، یک برداشت غیرواقعی است. زیرا رابطه یک کشور غیرمتعهد با کشور دیگر ثابعی است از منافع ملی آن کشور، و اگر منافع ملی برقراری رابطه‌ای را با یکی از کشورهای متعهد ایجاب کند در برقراری چنین رابطه‌ای نباید تردید روا داشت، به شرط آنکه این رابطه بصورت تعهد این کشور در نیاید و حق حاکمیت آن آسیب نبیند.

در کنفرانس هاوانا، موضوعی که مورد گفتگوهای گرم قرار گرفت این بود که آیا روسیه یا بلوک کمونیست می‌تواند یک «متعهد طبیعی» جنبش باشد یا خیر.

برخی از کشورها مانند کوبا، اتیوپی، افغانستان از این اندیشه دفاع کردند ولی کشورهای دیگری مانند هند و یوگوسلاوی و تانزانیا چنین توضیح دادند که معنای «عدم تعهد» نمی‌تواند با مفهوم «متعهد طبیعی» سازگاری بیابد و پس از بحث فراوان، اصل «اتحاد طبیعی» طرد گردید و به قول نماینده برمه این اصل گونه‌ای «تمایل به تعهد» در «متن عدم تعهد» شناخته شد و در فضای کنفرانس این اندیشه سایه افکند که هر دو بلوک در دهه‌های اخیر «هدف‌های سیاسی اعمال قدرت کلاسیک» را دنبال می‌کنند.

«جنبش عدم تعهد» برای آنکه پایدار بماند و توسعه یابد ناچار از آن است که «پویائی» سیاسی خود را همواره در کار دارد.

ماهیت پویائی این جنبش در مطالعه تطبیقی هدفهای غیر متعهدها در دهه‌های پیش آشکار می‌گردد. در سالهای نخستین رشد جنبش، دور ماندن از جنگ و مبارزه علیه کولوپتالیسم مورد اعتبار بودند، اما با گذشت زمان، و با آزاد شدن بیشتر کشورهای غیرمتعهد و فروختن جنگ سرد، هدفهای تازه‌ای از لحاظ توسعه اقتصادی و اجتماعی در برابر «جنبش عدم تعهد» پدید آمد.

براساس آنچه گذشت در بیانیه نهائی کنفرانس هاوانا هدفهای جنبش در دو گروه اصلی چنین بیان شده است.

اول- هدفهای سیاسی عمومی که عبارتند از: پاسداری استقلال ملی، حذف دخالت بیگانه، استوار کردن عدم تعهد، حذف استعمار و هر شیوه امپریالیستی نهان و آشکار، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و انحلال قراردادهای اعمال قدرت.

دوم- هدفهای اقتصادی- اجتماعی اصلی‌ترین آنها ایجاد نظم اقتصادی بین‌المللی تازه و نظام پویا و آزاد برای آگاه داشتن ملتها است.

به طور خلاصه، دویا به اصلی عدم تعهد عبارت است از «استقلال» و «توسعه» و این هر دو بایکدیگر در ارتباطاند، و هیچیک بی‌آند دیگری پدید نمی‌آید.

عامل‌های استوار کننده عدم تعهد به طور خلاصه عبارتند از

الف- در زمینه‌های سیاسی به دست آوردن استقلال ملتها، حذف قدرت و هر عامل تسلط از روابط کشورها، حذف بلوک بندی‌های سیاسی، حذف اتحادهای نظامی، مبارزه با هر گونه برتری طلبی استعمار، استعمار نو، نژاد پرستی و سرانجام تأکید بر انسانی کردن روابط بین‌المللی.

ب- در زمینه‌های اقتصادی.

توسعه سریع اقتصادی و اجتماعی، پدید آوردن نظم اقتصادی بین‌المللی جدید و نظم تکنولوژیک جدید و ایجاد یک نظام اطلاعاتی زنده و راستگو و گسترده و استوار کردن نظام حقوقی انسانی هم در روابط درون مرزی و هم در روابط بیرون مرزی، و سرانجام عادلانه‌تر شدن توزیع درآمدها، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی.

باتصمیم‌های انقلابی به گرانی روز افزون هزینه زندگی پایان دهید.

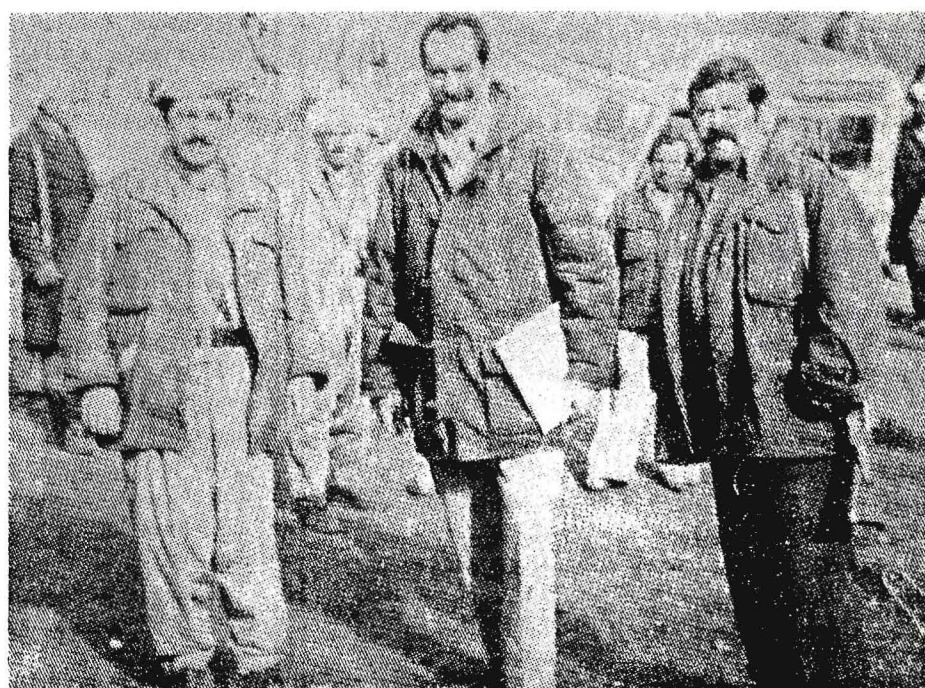
کشایش مرکزهای آموزش عالی ضرورت دوران سازندگی انقلاب است

پیشمرگان کردهمچنان باسلطه گرانبعثی می جنگند

پشتیبانی از این پیکارهای رها ئیبخش وظیفه تاریخی همه ایرانیان است این رزم آوران دلیرادر صحنه نبرد تنها نباید گذارد



مهندس علی عبدالله امین دبیر کل حزب دمکرات کردستان عراق در ریزی با یکی از همزمان خود



همرزم داریوش فروهر به هنگام بدرد با مسعود بارزانی در اردوگاه پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عراق.

باسلامی به پاکی برفهای کوهساران برآنان و برقرمانیهایشان و با امید آنکه آرمان ملت بتواند درآینده گزارش پیکارهای رهائی بخش در درون خاک عراق را هرچند گسترده تر نشر دهد.

و مردمی های آنان را حرمت نهند و ابزار و کمال جنگ از هرگونه برایشان فراهم دارند.

باید که پایداریها و دلیریهای این رزمندگان برهمگان بازگو شود تا قدر بسیار ایشان دانسته آید.

این دلیران در صحنه پیکار حماسهها آفریده اند. بر همه ایرانیان است که به انگیزه پیوندهای ناگسستنی و روح والای انسانی انقلاب و به انگیزه ستردن خاطره تلخ پیمان شکنی های شاه خلع شده، این پیکارگران را پشتیبانی کنند

پیمان شکنی نظام نگونسار گذشته ایران را چشیده اند، اینک با بزرگواری خاطره تلخ قرارداد ننگین الجزایر را از یاد برده و دست دیگر جنگاوران را به دوستی می فشارند و بازو به بازوی هم دشمن دل سیاه را به آتش می کوبند.

بر مزدوران می تازند. کردهای آنسوی مرز استعمار ساخته که زادگاهشان شمال عراق است کینه ها از دشمن در سینه دارند و از سالها پیش بر شکار چیان فضیلت و انسان ضربه ها کوبیده اند. این کردان که یکبار طعم تلخ

مردم عراق بر حکمران ندیش خود شوریده اند. مانهای جاسوسی در هر گوشه آثار عراق ماتم رسیده به شکار آنها پرداخته اند. و از بیم میسه های آنان مردم عراق، راز بر زبان نمی آورند. ولی هر جا به فرصتی بیابند جانانه



مهندس علی عبدالله امین دبیر کل حزب دموکرات کردستان عراق در قرارگاه خود



یکی از سرکردگان پیشمرگان کرد در گفتگو با همرزم مهندس بصیری، از رزمهای خود و یارانش سخن می گوید.

مردم را در تنگنا نگذارید

حکومتی در جهان همه ی کوشش خویش را در راه سست کردن رشته های همبستگی اش با مردم بکار برده و ثمره آن چیست؟

آیا برآستی همه ی این ناپسامانی ها از نادانی و ناتوانی

دست اندر کاران که دودستی به کرسیهای حکومت چسبیده اند سرچشمه نمی گیرد.

بیمارستان ها، ناگزیر به پذیرائی از زخمیان جنگ هستند آیا پیش گرفتن چنین سیاست هایی در حکم مبارزه با مردم و ایمنی خاطر آنها نیست؟

این چه تلاش دردآوری است که دست اندر کاران حکومت برای

ناراضی مردم بعمل می آورند. و نتیجه ی این ندانم کاریها چه خواهد شد؟! آیا کدامین نظام

سقف و خود بخود گرم شدن!! اگر خانواده ها نتوانند با سرمایه ی زمستان که پیش بینی می شود سخت تر و سوزنده تر از سالهای گذشته باشد، مبارزه کنند. بی گمان بر میزان بیماری های ناشی از سردی هوا افزوده می شود و در شرایطی که بسیاری از پزشکان به منطقه های جنگ زده گسیل شده اند و

نمی رسانند و استفاده از یک چراغ علاء الدین دست کم روزی پنج لیتر نفت نیاز دارد، وسیله لازم را برای گرم شدن از کجا می توان بدست آورد؟!

شگفت آور آنکه پاره های کاربدستان به مردم برای مبارزه با سرما راه های بسیار منطقی و اصولی نشان می دهند از آنجمله گرد آمدن در یک اتاق و زیر یک

است این برش پیش می آید که تهدیدهای وزارت نیرو چه مفهومی جز نا آگاهی دست اندر کاران آن و بطور کلی کسانی که چنین سیاست هایی اتخاذ میکنند، می تواند داشته باشد.

با گرانی سرسام آور و ناپسامانی وضع اقتصادی مردم و با تحویل هفته ای بیست لیتر نفت در شرایطی که گاز مصرفی را نیز به اندازه لازم به خانواده ها

ستانی که سرد و سیاه از راه رسید اطلاعیه وزارت نیرو ی بر جیره بندی و افزایش اعدی بهای برق به آگاهی گان رسید. وزارت نیرو به این اطلاعیه هم ده نکرد و مردم را تهدید به بیهی تا حد ده برابر بهای ی و سپس قطع جریان برق در شرایطی که خاموشی های تری خود نوعی صرفه جوئی

سرنگون باد حکومت نژاد گرای بعث عراق

از خبرهای هفته

کاری که هرگز ساواک نکرد

استاد محمدتقی شریعتی در رابطه با حمله به کانون نشر حقایق اسلامی مشهد در روز عاشورا، نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور نوشته است. در این نامه پس از ذکر سابقه سی و هشت ساله کانون و فشارهایی که از طرف ساواک بر آن وارد میشد، آمده است: «... اما فاجعه‌ای که هرگز انتظار و حتی تصور آنهم نمیرفت بوقوع پیوست و آن اینکه روز عاشورا، هنگامیکه مراسم عزای حسینی را در کانون برگزار کردم جمعی فریب خورده بنام حمایت از اسلام و پاسداری از اسلام به کانون حمله کردند و دیواری را خراب نمودند و شیشه‌ها را شکستند، بلندگوها و تلفن و دستگاههای صوتی را نابود و برخی از اجناس جمع‌آوری شده برای کمک به جنگ زده‌ها را غارت کردند. کاری که هرگز ساواک نکرد.»

در پایان این نامه آمده است:

«برادر، نگرانی عمیق من نسبت به آینده اسلام و انقلاب است که در رژیم گذشته نه تنها از بستن درب کانون و زندانی شدن این نگرانی را نداشتم، بلکه به آینده اسلام بیشتر امیدوار میشدم. اما اکنون بار سنگین غم و نگرانی را به کجا برم؟ در همین رابطه استاد علی تهرانی ضمن تلگرافی که به رئیس جمهوری مخابره کرده نوشته است: «... از این ستمها و هتاکها که در تمام شهرستانها به اسم نظام اسلامی انجام میگردد به خدای تعالی شکایت مینمایم و از مسلمانان دلسوز برای کبان اسلام خواستارم اعتذار نمایند، باشد که این دنیاپرستان و خودخواهان پیش از آنکه دست انتقام خدائی گریبان گیرشان شود بخود آیند و از حق تعالی تقاضا دارم که در راه مبارزه با این اسلام شکنان و تنورافروزان کشته شوم و به جوار رحمتش بیارم و شاهدانهمه جنایات به اسم اسلام نباشم.»

نامه هیئت تحریریه میزان به دادستان کل کشور

هیئت تحریریه روزنامه میزان در رابطه با حمله به دفتر این روزنامه در روز تاسوعا، نامه‌ای خطاب به دادستان کل کشور نوشته است.

در این نامه ضمن توضیح چگونگی حمله و ویژگیهای حمله‌کنندگان و کسانی که از آنها حمایت میکردند، آمده است: «آقای دادستان... پرپر روز به میزان تاختند، فردا به سایر مظاهر آزادی و مدافعان قانون اساسی خواهند تاخت. بخاطر خدا و خون شهیدان و به منظور جلوگیری از نابودی انقلاب، از این اعمال ددمنشانه جلوگیری فرمائید. دستور دهید عاملین این جنایت، که خوشبختانه بعضی از آنان توسط ما شناسائی شده‌اند، دستگیر و محاکمه شوند، مقرر دارید انگیزه و احیاناً محرکین آنان به جامعه معرفی شوند، اعلام دارید هیچکس حق تجاوز به حقوق دیگران را ندارد، روشن سازید که کمیته‌ها مأمور دفاع از حقوق مردمند، و بالاخره با محکوم ساختن عمل این گروه نشان دهید که در جمهوری اسلامی ایران آزادی مطبوعات، که شرط لازم برای ایفای وظیفه امر بمعروف و نهی از منکر است، تعطیل پذیر نیست.»

در همین رابطه آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور اظهار داشته است:

«برای تعقیب محرکین و مسئولین این تجاوز با آقای دادگر، دادستان تهران، تماس گرفتم تا محرکین را به یک پایرس مطمئن و بیطرف تحویل دهند.»

کمک اقتصادی شوروی به کوبا

اسوشیتدپرس به نقل از رادیو هاوانا گزارش داد کوبا و روسیه قرارداد پنج ساله‌ای به مبلغ سی و پنج میلیارد دلار بمظور مبادلات اقتصادی مبادله نمودند. براساس این قرارداد روسیه کمکهای خود را به کوبا از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ تا میزان پنجاه درصد بهبود بخشیده است. همچنین دو کشور موافقت کردند فعالیتهای اقتصادی خود را تا سال ۱۹۸۵ هماهنگ نمایند.

شهر دار همدان استعفای خود را به مردم شهر تسلیم کرد

شهر دار انتخابی مردم همدان با صدور اطلاعیه‌ای، استعفای خود را تقدیم مردم این شهر نمود. وی در این اطلاعیه علت استعفای خود را دخالت افراد ناآگاه و بظاهر متدین و همچنین کوشش عده‌ای افراد مغرض برای ایجاد جو نامساعد و فشار اعلام نمود. شهر دار همدان که حدود یکسال قبل توسط شورای شهر و مردم همدان به این سمت انتخاب شده بود گفته است: طی چند روز آینده عاملهای اصلی استعفای خود را صراحتاً معرفی خواهد کرد.

یورش قهرمانانه به منطقه حاج عمران

بنا بر گزارشهای رسیده بعد از ظهر روز شنبه بیست و چهارم آبانماه پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عراق با پشتیبانی نیروی هوایی و آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران با حمله به منطقه حاج عمران و در بند «رامات» در فرمانداری «چومان» استان اربیل ضربه سختی به ارتش مزدور دولت نژاد گرای بعث عراق وارد آوردند، و آنها را تار و مار ساختند. حمله غافلگیرانه پیشمرگان، سنگردشمن در بلندیهای «ماوه تان» را درهم شکست و جنگ افزار و مهمات زیادی به دست آمد و پانزده تن از سپاهیان عراق کشته شدند با فرارسیدن شب پیشمرگان که سه تن از آنها زخمی گشته بودند پیروزمندانه به پایگاههای خود باز گشتند. سرمای شدید و ریزش برف و باران دو روز مانع از ادامه حمله‌های ضربتی گردید ولی در بعداز ظهر روز بیست و هفتم آبانماه حمله دیگر پیشمرگان کرد، با پشتیبانی ارتش جمهوری اسلامی ایران آغاز شد، و با بهره‌برداری از آتش سنگین توپخانه پیشمرگان توانستند از دوسو به حاج عمران حمله کنند و درمهای «شیوه رش» و بلندیهای «میوه تان» را به تصرف درآورند و نیروهای عراق را تار و مار سازند.

پایگاه دشمن در حاج عمران به سختی مورد هجوم قرار گرفت و بیش از صدتن از سپاهیان عراق به خاک هلاک افتادند. در این برخورد هفت تن از پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عراق به شهادت رسیدند که فتاح محمد امین رشیدی از فرماندهان برجسته کردها در میان آنها بود. نه تن از پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عراق نیز به شدت زخمی و در بیمارستان پیرانشهر بستری شدند. در این حمله علاوه بر مقدار زیادی مهمات جنگی و سلاحهای سبک و نیمه سنگین نه تن از سپاهیان مزدور عراق نیز به اسارت گرفته شدند.

در همان روز گروهی دیگر از پیشمرگان در عمق چهل کیلومتری خاک عراق به پایگاههای نظامی در «رامات» و «چومان» حمله ور شدند و عده‌ای از نیروهای نگهبان جاده اصلی ارتباطی را به هلاکت رسانیدند.

حماسه آفرینان



ایران دیرینه سال دیگر براستی باید سرزمین لاله‌های سرخ نام گیرد. هر روز گوشه‌ای از این سرزمین پاک با خون عزیزترین فرزندان گلگون می‌گردد. در میان این دلوران بخون خفته، سرهنگ غفور جدی نقش برجستهای دارد. این شهید فرمانده عملیات پرواز پایگاه هوایی بوشهر ویکی از جوانترین عقابان تیزپری بود که به درجه‌ی سرهنگی رسید و تا روز پر افتخار شهادت سی و شش تک را برای انهدام پایگاههای عراق با پیروزی انجام داد. سرهنگ جدی اردبیلی در مصاحبه‌ای که در بوشهر داشت عاشقانه آرزو کرد که «گفن از پرچم ایران» بر پیکرش سازند. در واپسین پرواز هواپیمای

حمل تجهیزات نظامی برای عراق از خاک عربستان سعودی

خبرگزاری اسوشیتدپرس از قول شبکه تلویزیونی ا-بی-سی آمریکا گزارش داد عربستان سعودی برای اولین بار حمل سلاح و مهمات نظامی را به عراق از طریق خاک خود آزاد کرده است. این گزارش حاکی است که در حال حاضر بیش از دوازده کشتی مشغول بارگیری در بندر دریای سرخ هستند و مهمات جنگی از طریق عربستان سعودی و اردن برای ارسال به عراق در کامیونها بسته‌بندی شده است. گفته میشود سلاحهای یادشده از فرانسه، یوگسلاوی و آلمان شرقی آمده است. عربستان سعودی تاکنون سعی داشته است نقش حمایت کننده خود از عراق را، برای جلوگیری از عکس العمل غیر قابل پیش‌بینی دولت ایران پنهان نگهدارد.

در حاشیه جنگ ایران و عراق

- اولاف پالمه، نماینده ویژه کورت والدهایم، از نقاط بمباران شده کرمانشاه دیدن کرد. وزارت بهداری اعلام کرد شایعه بیماری تیفوس صحت ندارد.

- با ائتلاف انقلابیون عراق، «ارتش انقلابی اسلامی برای آزادی عراق»، تشکیل شد.

- دلاوران نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دو ناو مدرن عراق را در خلیج فارس غرق کردند.

- رجائی، نخست‌وزیر ایران، در یک سخنرانی بمناسبت روزهای سوگواری اعلام کرد: «ما هرگز جنگی که هدف آن گرفتن خاک و منابع اقتصادی بیشتر باشد، نداریم.»

- رئیس‌جمهور در ملاقات با «اولاف پالمه» گفت: «تا زمانیکه نیروهای مبلج و جاسوسان عراقی در سرزمین ما هستند، هیچگونه پیشنهاد صلح را بررسی نخواهیم کرد.»

- رئیس سازمان سنجش آموزش کشور گفت: «تا پایان حالت فوق‌العاده جنگی، اعزام دانشجو به کشورهای خارج متوقف شد.»

- اولاف پالمه، مذاکرات خود را با رجائی سازنده و مفید خواند.

- رجائی در ملاقات با پالمه گفت: «ملت انقلابی ما بخود حق میدهد در تمام معیارهای بین‌المللی تردید نکند.»

- روزنامه انگلیسی زبان «لورن جنکینز»، در آخرین شماره خود نوشت: «با تغییر اوضاع جنگ، صدام حسین پی درپی گفتمایش را تغییر میدهد.»

- آقای واجبای، رهبر حزب جاناتا و وزیر خارجه سابق هند گفت: «کشورهای غیرمتحد باید جرأت اعتراض به تجاوز عراق به ایران را پیدا کنند.»

- براساس گزارش خبرگزاریها، جبهه آزادیبخش الجزایر رژیم عراق را محکوم کرد.

- رئیس مجلس ایران در مصاحبه‌ای با مطبوعات و رادیو تلویزیون لیبی گفت: «ایران الجزایر را بعنوان حکم قبول دارد.»

- خبرگزاری فرانسه از پاریس گزارش داد: «بعد از اینکه دو ماه از جنگ عراق با ایران میگذرد، خبر تولید مجدد نفت بوسیله کشورهای متخاصم نورامیدی در آسمان نفتی جهان پراکنده است.»

- عملیات ضربتی ایران برای آزاد ساختن آخرین مناطق اشغالی در غرب کشور آغاز شد.

- توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، رادار خطر «کوتالزین» عراق را از بین برد.

- خلبانان نیروی هوایی ایران در اربیل، سلیمانیه و کرکوک به تاسیسات نظامی و اقتصادی عراق آسیب‌های سنگینی وارد کردند.

- نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، در شماره هفدهم نوامبر خود طی مقاله‌ای نوشت: «صدام حسین که همیشه با لباس فیلد مارشالی ظاهر میشود، هیچگاه حتی یک سرباز ساده هم نبوده است.»

- اولاف پالمه، روز یکشنبه این هفته، با طارق عزیز، معاون نخست‌وزیر عراق ملاقات و گفتگو کرد. در این گفتگو که سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق، نیز حضور داشت بحران ایران و عراق مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت.

- مجله تایم، چاپ آمریکا نوشته است: «دولت عراق ضمن تبلیغات گوناگونی که میکند سعی دارد حکومت اسلامی ایران را نژادپرست معرفی نماید. پیروزی اعراب بر ایرانیان در قادسیه، در قرن هفتم میلادی، بهانه‌ای است در دست عراق برای اعمال تبلیغات علیه ایران، اما عراق فراموش کرده است که در جنگ قادسیه، خود بخشی از ایران را تشکیل میداد.»

پیام جمعیت حقوقدانان ایران به کنگره بین‌المللی حقوقدانان دموکرات

جمعیت حقوقدانان ایران بمناسبت تجاوز یعنی‌های عراق به خاک ایران، پیامی به کنگره بین‌المللی حقوقدانان دموکرات ارسال داشت که در جلسه افتتاحیه کنگره قرائت شد. در قسمتی از این پیام آمده است:

«..... جمعیت حقوقدانان ایران مایل است اعلام دارد که تجاوز به خاک ایران تجاوزی است ظالمانه و شو و نیستی و جنگی است برخلاف صریح بند چهارم ماده دوم منشور ملل متحد و مواد یک و دو عهدنامه تحریم جنگ، که از طرف دولت عراق آغاز گردیده.....»

ارتش عراق در این تجاوز همه اصول مقرر در کنوانسیونهای بین‌المللی را زیر پا گذاشته و برخلاف قطعنامه شماره ۲۴۴۴ مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۶۸ مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد بطور نامحدود دست به کشتار غیر نظامیان و تخریب و غارت اموال آنها و بمباران تاسیسات غیر نظامی و مدارس و بیمارستانها زده است..... جمعیت حقوقدانان ایران در پایان ار شرکت کنندگان در این کنگره خواسته است که فریاد اعتراض خود را علیه این تجاوز و علیه جنایات جنگی که رژیم صدامی مرتکب میشود بلند کنند. بقیه در صفحه دوم

در بند کشیدن آزادی، تنها ثمره‌اش فقر اندیشه و اخلاق است